

تحلیل تطبیقی جایگاه آموزش عمومی قرآن در نظام آموزشی معاصر (با تأکید بر دوره ابتدایی)

لیلا خسروی مراد: پژوهشگر مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، جهاد دانشگاهی.
نجمه کاظمی^۱: پژوهشگر مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، جهاد دانشگاهی.

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۹۸-۸۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

چکیده

تعلیم و تربیت همواره یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی بشر است و هدف عمده پیامبران، امامان و صالحان نیز تربیت صحیح آدمی بوده است. از این رو گسترش فرهنگ حیات‌بخش قرآن کریم و ارتقای ایران به کشوری توسعه‌یافته با هویتی اسلامی-انقلابی، در گرو عزم ملی و اراده هماهنگ مدیران ارشد نظام برای توسعه فرهنگ قرآنی است. بدین منظور تلاش‌هایی برای به وقوع پیوستن این امر انجام شده و نظام‌ها و سازمان‌های مختلف برای عملی شدن آن اقدام نموده‌اند. آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از مراکز مهم آموزشی-تربیتی از جمله سازمان‌های مهم بوده که وظیفه تربیت افراد با رویکرد دینی و قرآنی را از بدو ورود به مدارس به عهده داشته است. آموزش عمومی قرآن در دوره ابتدایی از روش‌ها و شیوه‌هایی است که در مدارس باهدف دستیابی به توانایی خواندن قرآن کریم که گاه از آن به آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن یاد می‌شود، گنجانده شده است. این در حالی است که از همراهی هدف اصلی فرو فرستادن کتاب الهی که همانا تدبیر و انس در قرآن و درنهایت کاربردی نمودن مضامین و مفاهیم قرآنی است، فاصله گرفته و تنها به جنبه روخوانی خالی از انس با قرآن اکتفا شده است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی با استخراج روش‌های آموزش قرآن در آموزش و پرورش در مقطع ابتدایی درصدد واکاوی و تحلیل جایگاه آن در قرآن کریم است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، آموزش، آموزش قرآن، آموزش عمومی قرآن.

۱. مقدمه

قرآن، پیام روشن الهی است که همه انسان‌ها را به راستی و رستگاری دعوت می‌کند. از صدر اسلام تا کنون، آموزش این پیام جاودانه الهی، از مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت در میان مسلمانان بوده است. تعلیم و تربیت همواره یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی بشر بوده و هدف عمده پیامبران، امامان و صالحان نیز تربیت صحیح آدمی بوده است. تربیت انسان دارای ابعاد گوناگون جسمانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی و دینی می‌باشد. از آنجایی که نظام تعلیم و تربیت در کشور ما اسلامی است، بُعد دینی به‌عنوان یکی از ابعاد بنیادی و مهم‌ترین بُعد تعلیم و تربیت مورد نظر برنامه‌ریزان نظام تربیتی است. اهمیت این بُعد را می‌توان در اهداف مصوب دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش به‌روشنی مشاهده کرد به‌گونه‌ای که «کمال انسان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی را رسیدن به قرب الهی» می‌داند (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۵، ص ۲۶). نظام آموزشی برای تربیت افراد در این راستا نیاز به منبعی غنی و به‌دور از خطا و متناسب با اعتقادات جامعه دارد که در جامعه ایران اسلامی یقیناً منبعی بهتر از قرآن نخواهد بود. چراکه قرآن کریم، از آغاز نزول تا کنون، سرچشمه بی‌پایان علوم و معارف اسلامی و محور تعلیم و تربیت بوده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸).

از این‌رو با توجه به اهمیت جایگاه قرآن در بین دروس مختلف دوره‌های تحصیلی و با توجه به اینکه نظام آموزش و پرورش بنا به‌ضرورت تغییرات اجتماعی یکی از سازمان‌های پیچیده و بزرگ در هر کشور محسوب می‌شود و با رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد، برخی از مسئولیت‌های اصلی در حوزه آموزش قرآن برای کودکان و نوجوانان، بر دوش این نهاد قرار داده شده است. این نهاد با برنامه‌های متعدد و متنوعی تلاش کرده تا این وظیفه را تا حد ممکن به نحو احسن انجام دهد (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴). آموزش قرآن، یکی از دروسی است که در راستای توجه به رسالت فوق، در برنامه درسی مقاطع تحصیلی - به‌ویژه مقاطع ابتدایی - گنجانده شده است (وکیل، ۱۳۸۸). به‌گونه‌ای که آموزش جامع قرآن کریم به‌عنوان «فرآیندی برای دستیابی به توانایی قرائت صحیح، درک معنا، تدبر در آیات و آشنایی با معارف قرآن به منظور تقویت ایمان، عمل صالح و انس با قرآن کریم» مغفول مانده است (باقری، ۱۳۹۲).

نگاه اجمالی به دستاورد آموزش قرآن در کشور ما نشان می‌دهد که این دستاورد نه با اهمیت و جایگاه ویژه قرآن در اسلام تناسب دارد و نه با میزان علاقه و اهمیتی که یکایک مردم نسبت به قرآن دارند (بهرامی نسب، ۱۳۹۱). از همین رو، رسیدن به جایگاه واقعی قرآن و شکل‌گیری زندگی اسلامی برگرفته از فرمان‌ها و آموزه‌های قرآن میسر نخواهد بود، مگر در سایه آموزش قرآن به تمامی افراد جامعه؛ آن‌هم نه آموزشی محدود به قرائت و روحوانی، بلکه آموزشی عمومی که همه شاخص‌های آموزش قرآن را دربر گرفته، قابلیت آموزش به تمامی افراد را داشته باشد و در نهایت آثار آن در زندگی افراد ملموس باشد.

در کشور ما نیز به اقتضای جایگاه دین اسلام در فرهنگ مردم ایران و جایگاه ویژه قرآن در اعتقادات دینی، باید آموزش قرآن مورد توجه همگان باشد تا شرایط مساعد برای تحقق اهداف این آموزش فراهم آید (وکیل، ۱۳۸۱). بر این اساس، پژوهش حاضر با محوریت آموزش عمومی قرآن در صدد واکاوی جایگاه و شیوه‌های آموزشی آن در قرآن کریم با استفاده از روش‌های آموزشی پیامبر اکرم (ص) در صدر اسلام خواهد بود تا پس از وصول به چگونگی این امر به تحلیل روش‌های نظام آموزش قرآنی کشور در راستای توسعه فرهنگ قرآنی پردازد.

۱-۱. مفهوم شناسی

الف) آموزش عمومی

تعلیمات عمومی و یا به عبارت دیگر آموزش عمومی یک اصطلاح قدیمی نبوده است. توجه در تاریخ فرهنگ ایران و مغرب زمین این نکته را مسلم می‌سازد که در کتب فرهنگی صد و هشتاد سال قبل هیچ کشوری این اصطلاح وجود نداشته است. کلمه‌ی آموزش عمومی وقتی به وجود آمد که در مغرب زمین صحبت از دموکراسی شد و حکومت مردم بر مردم به مرور زمان تحقق پیدا کرد. در ایران تا ۱۲۶۸ هجری قمری که مطابق با نیمه قرن نوزدهم میلادی است، دولت اساساً در امر تعلیم و تربیت مداخله نداشت. در آن سال بود که به همت میرزا تقی‌خان امیر کبیر مدرسه دارالفنون تأسیس شد تا برای کشور افسر و مهندس و پزشک تربیت کند و در آغاز کار یک بخش مقدماتی در آن مدرسه به وجود آورد تا شاگردان را برای تحصیلات عالی و تخصصی آماده سازد. بعد از تأسیس دارالفنون در سلطنت ناصرالدین شاه، مدرسه علوم سیاسی در تبریز و اصفهان نیز دایر شد (صدیق، ۱۳۴۳، ص ۳).

موضوع آموزش عمومی فقط از بدو حکومت مشروطه یعنی از ۱۳۲۴ قمری مطابق با ۱۲۸۵ شمسی مطرح شد، ولی در آن موقع که ممالک خارجی در امور مملکت ما مداخله می‌کردند و جدال آزادی‌خواهان با محمدعلی شاه در جریان بود، اقدامی نسبت به آموزش عمومی به عمل نیامد. پس از خلع محمدعلی شاه در ۱۲۸۷ شمسی اصطلاح تعلیمات عمومی نخستین بار در دوره دوم قانون‌گذاری عنوان شد. در قانون اداری فرهنگ مصوب شهریور ۱۲۸۹ شمسی در ماده چهارم یکی از مهم‌ترین ادارات وزارت فرهنگ را اداره تعلیم عمومی نامیده و وظائف آن را معین نموده است (همان).



تأملی در تاریخ لغوی این اصطلاح نشان می‌دهد آموزش عمومی تلاشی است برای تربیت قوای آحاد جامعه، به گونه‌ای که استعدادهای عقلی، عاطفی، تخیلی و مهارتی هر کس، به شیوه‌ای متعادل رشد کند و او را برای زندگی سالم آماده سازد (فرمehنی فراهانی، ۱۳۸۵). بر این اساس قدر جامع تعاریف حاکی از سه مفهوم ذیل خواهد بود:

۱. آموزشی است که در انتخاب موضوعاتش هیچ نوع تخصصی برای آماده کردن دانش‌آموزان به منظور کار در یک بخش خاص در نظر گرفته نمی‌شود.
 ۲. نوع وسیعی از تربیت یا آموزش است که هدف آن رشد و تکامل نظرات، توانایی‌ها و رفتاری است که مورد پذیرش و مطلوب جامعه است یا مهارت‌هایی است که شخص را برای روبه‌رو شدن با مشکلات و سازگاری با مقتضیات زندگی آماده می‌سازد.
 ۳. تجاربی است که فرد از پرداختن به مسائل شخصی و اجتماعی به دست می‌آورد (همان منبع).
- آموزش عمومی به معنای تعلیماتی است که وسایل آن به هزینه مردم برای عموم افراد ملت فراهم شود. چون وجوه عمومی و درآمدها و مالیات‌ها را دولت جمع‌آوری و هزینه می‌کند. پس دولت باید وسایل تعلیمات عمومی را برای همگی مهیا و آماده سازد (صدیق، ۱۳۴۳، ص ۱).

ب) آموزش عمومی قرآن

قرآن معتبرترین منبع معارف و حیانی اسلام، معجزه جاودان رسول گرامی اسلام (ص) و تنها کتاب آسمانی که از تحریف مصون مانده است. در پرتو عمل به فرامین حیات‌بخش این امانت الهی، جامعه اسلامی توانست در مدتی اندک، نیمی از جهان را به تسخیر خود درآورد و دوران شگفت‌انگیز تمدن بشری در آن روز را بنیان نهد. به برکت معارف و رهنمودهای قرآن، تاریخ تمدن اسلامی یکی از شکوهمندترین مراحل تاریخ تمدن بشر نام گرفت (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴).

آموزش عمومی قرآن در مکتب پیامبر اکرم (ص) و در قرآن کریم به مفهوم خواندن آیات توسط معلم و شنیدن و تکرار آن‌ها توسط قرآن‌آموز به کار رفته است. تا جایی که این امر به انتقال آیات قرآن از قلب معلم به قلب متعلم منجر شود و متعلم قرآن نیز چونان معلم خود، حامل آیات الهی شود. در تعریفی دیگر با تکیه بر روخوانی و درک مفهوم، آموزش قرآن را به معنای مجموعه برنامه‌های آموزشی مربوط به خواندن و درک مفاهیم و معارف قرآن که برای انس آحاد جامعه با قرآن استفاده شده است، دانسته‌اند (فیض، ۱۳۹۵: ۲۶). در این تعریف، تمامی آموزش‌های مربوط به قرائت/خواندن قرآن از روخوانی تا ترتیل خوانی (از روی مصحف یا از حفظ)، آموزش‌های مربوط به درک معنا و ترجمه آیات، آموزش معارف عمومی (تفسیر ساده) آیات و فراگیری تدبر آیات قرآن، همچنین آموزش‌های قرآنی مربوط به نونهالان در حوزه آموزش عمومی قرآن قرار می‌گیرد (فریدونسی و فرجی، ۱۳۹۳، ص ۴۰).

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، آموزش قرآن را فرایندی برای دستیابی به توانایی خواندن، درک معنا، تدبر در آیات و آشنایی با معارف قرآن، به منظور انس و بهره‌گیری دائمی از قرآن

کریم و تقویت ایمان و عمل صالح می‌داند. ضرغامی و همکاران نیز تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی را تأیید کرده و برنامه‌های آموزش قرآن کریم را شامل همه موضوعات ضروری آموزش قرآن مانند، روخوانی، روان‌خوانی، صحت قرائت، توانایی درک معنای عبارات و آیات ساده قرآن کریم، آشنایی با معارف انسان‌ساز قرآن و تدبیر در آیات الهی می‌داند (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴). بر اساس تعاریف فوق، آموزش قرآن در این پژوهش عبارت است از: آموزش روخوانی، روان‌خوانی، درک معنا و سبک زندگی قرآنی به فراگیران به‌منظور بهره‌گیری دائمی آنان از قرآن کریم و تقویت ایمان و عمل صالح.

۲. تبیین آموزش عمومی قرآن از منظر قرآن

خداوند بر اساس آیات قرآن اولین معلم قرآن است. این که قرآن کریم درباره‌ی خودش چه انتظاراتی از مسلمانان دارد و مسلمانان چه وظایفی نسبت به آن دارند، از پرسش‌های اساسی است (فصلنامه‌ی رشد قرآن، ش ۲۳). قرآن کریم در این زمینه راهکارهای متفاوتی را مطرح می‌کند که به‌صورت اجمال به آن‌ها اشاره خواهد شد:

- ۱-۲. قرائت: اولین مرحله از آموزش در قرآن قرائت قرآن است. قرائت قرآن مفهومی عام و کلی و درعین حال اولین و مهم‌ترین مرتبه و حداقل انس با قرآن کریم است (موسوی بلده، سید محسن، ۱۳۷۸، ص ۱۷).
- ۲-۲. تلاوت: به معنی رعایت آداب ظاهری و باطنی تلاوت قرآن است. این اصطلاح بیشتر برای خواندن متون مقدس و مذهبی به کار می‌رود (دانشنامه‌ی قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۲۶۱ به نقل از نباتی، ۱۳۸۸).
- ۲-۳. تدبیر: به معنی تفکر روی آیات و فهم نسبی کلمات و عبارات قرآن کریم است.
- ۲-۴. خشوع: به دنبال هدایت باطنی و تأثیرپذیری از آیات شریفه قرآن حاصل می‌شود.
- ۲-۵. تأثیرپذیری: به معنی متجلی شدن آیات قرآن در رفتار، گفتار و افکار انسان است.
- ۲-۶. عمل به آیات قرآن: به معنی عمل به دستورات قرآن کریم در کلیه‌ی شئون زندگی است.
- ۲-۷. آموزش قرآن به دیگران: که یکی از وظایف پیامبر اکرم (ص) است.

بر اساس این مدل کاربردی از قرآن کریم و توجه در ترتب مراحل و وجود تدبیر و خشوع در ردیف قرائت و تلاوت، قرآن کریم به استفاده از فرمان‌ها و آموزه‌های قرآنی در کنار تلاوت قرآن اشاره

۱. «إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي الضَّلَاجِلِ وَنِصْفَهُ وَتُلْئِمُهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُضِلُّ الْبَلْبَلِ وَالتَّهَامِزِ عَلِيمٌ أَنْ لَنْ تُحْصَوهُ فَتَاب عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِيمٌ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُبْتَغُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا الْقُرْآنَ فَرَضًا حَسَنًا وَمَا تَفَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تُجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (مزل، ۲۰).

۲. «الَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْكَاثِرُونَ» (بقره، ۱۲۱).

۳. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴).

۴. «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر، ۲۱).

۵. «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حدید، ۱۶).

۶. «اتَّخَذُوا النَّاسَ بِالْبَاطِنِ يَتَشَتَّوْنَ أَنْفُسَهُمْ وَأَنْتُمْ تَحُلُّونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره، ۴۴).

۷. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَيْفٍ ضَالِّينَ» (جمعه، ۲).



دارد، تا جایی که این امر را منجر به عمل نمودن به آیات قرآن کریم در زندگی انسان می‌داند؛ لذا استفاده عملی از آیات الهی را می‌توان از اهداف اصلی در کنار اهداف فرعی (قرائت و تلاوت و...) به شمار آورد. پس از بررسی اهمیت این مهم در قرآن کریم باید چگونگی آموزش قرآن در سنت را مورد بررسی قرار داد تا نگاه جامعی به آموزش قرآن شکل گرفته شود.

۳. بررسی سیر تطور آموزش قرآن از صدر اسلام تا دوره‌ی معاصر در ایران

مرحله آموزش قرآن پس از بعثت پیامبر اکرم (ص) پیدایش آموزش قرآن و تطوّر آن را در دوران مبعث و حیات پیامبر (ص) و پس از آن، می‌توان در هفت مرحله چنین بیان کرد (به نقل از نباتی، ۱۳۸۸، ص ۱-۵):

مرحله‌ی اول: دریافت وحی؛ نقطه‌ی آغازین آموزش قرآن کریم

نقطه‌ی آغازین آموزش قرآن کریم را می‌توان تعلیم آیات قرآن کریم به نبی مکرم اسلام (ص) از سوی جبرئیل امین (ع) دانست. طلیعه‌ی این مرحله در آغاز نزول آیات شریف اول تا پنجم سوره‌ی علق است که می‌فرماید: «اقرأ باسم ربك الذي خلق...»

خداوند در آیات اول تا چهارم سوره‌ی الرّحمن نیز به این موضوع اشاره و خود را اول معلم قرآن معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید: «الرّحمن علّم القرآن» (رحمن، ۱-۲) خدای رحمن کسی است که قرآن را آموخت. طبق اقوال و آرای مفسرین قرآن، پیامبر اکرم (ص) پس از شنیدن آیات شریف از زبان جبرئیل (ع)، آن‌ها را به خاطر می‌سپردند و در حافظه نگهداری می‌کردند.

مرحله‌ی دوم: آموزش آیات قرآن به مسلمانان

پیامبر اکرم (ص) پس از دریافت آیات قرآن از جبرئیل و حفظ آن، موظف شدند تا آن آیات را به مسلمانان بیاموزند. آیه ۱۰۶ سوره اسراء به موضوع تعلیم قرآن به مسلمین توسط پیامبر (ص) اشاره دارد: «وَقَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكَبِّ وَتَرْتِلَانَهُ تَنْزِيلًا». از قرائن تاریخی به دست می‌آید پیامبر اسلام (ص) در اجرای این وظیفه، به تناسب مخاطبان قرآن، از دو شیوه اسماع و اقرء استفاده کرده‌اند. الف اسماع قرآن: در لغت به معنای شنوندن است و این کار به همین معنا در قرآن به کار رفته است.^۱ مراد از اسماع قرآن، شنوندن آن به گوش مردم است که معمولاً در مکه و نسبت به مشرکان قریش، حاجیان و رهگذران صورت می‌پذیرفت. طبق شواهد تاریخی، در سال‌های ابتدای رسالت، رسول خدا (ص) در مسجد الحرام می‌نشست و به تلاوت قرآن می‌پرداخت و یا به نماز می‌ایستاد و سوره‌هایی را قرائت می‌کرد. به این ترتیب آیات قرآن را به گوش رهگذران می‌رساند. به عبارت دیگر، رسول خدا (ص) در قالب عبادات روزانه‌ی خود، رسالت تبلیغی خویش را نیز دنبال می‌کرد. آنجا که استماع قرآن به تدریج موجب جذب مردم به قرآن می‌شد، مشرکان تصمیم

۱. «فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ» (روم، ۵۲).

گرفتند علاوه بر خودداری از استماع قرآن، مانع نمازخوانی یا تلاوت قرآن رسول خدا(ص) شوند. (ب) اِقرَاءِ قرآن: طبق آنچه مشهور است، اساس و اسلوب آموزش قرآن توسط پیامبر(ص) اِقرَاءِ بوده است. در تبیین معنای اِقرَاءِ و بیان کیفیت و شیوه‌ی آن گفته‌اند «قرائت بر کسی» یا «تلاوت بر کسی» به معنای اِقرَاءِ است؛ یعنی آیات الهی بر کسی خوانده شود، به قصد این که او نیز آن‌ها را بشنود.

رسول خدا(ص) در مقابل مؤمنان، سیاست «اِقرَاءِ قرآن» را پیش گرفت که به معنای تعلیم همه‌جانبه‌ی قرآن است. ضرورت این کار از آنجا بود که مؤمنان پس از وارد شدن به دایره‌ی مسلمانی، نیازمند آموزش احکام دینی بودند، اما آیات قرآن غالباً فاقد جزئیات احکام و مقررات دینی بود؛ لذا رسول خدا(ص) در کنار تعلیم قرآن، گاه با توضیحات شفاهی و گاه به شکل عملی، مؤمنان را در جریان جزئیات احکام و شرایع قرار می‌داد و به تدریج با تفسیر بسیاری از آیات قرآن آشنا می‌کرد. در سال‌های ابتدای بعثت، رسول خدا(ص) در خانه‌ی ارقم بن ابی ارقم واقع در کوه صفا سکنا گزید. حضرت در همین مکان، نومسلمانان را به حضور می‌طلبید و به آنان قرآن و مسائل دینی را آموزش می‌داد(عسکری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۳). علاوه بر این، مراکز دیگری نیز وجود داشتند که در آن مؤمنان دور از چشم مشرکان به تعلیم و تعلم قرآن می‌پرداختند و در واقع مطالبی را که از رسول خدا(ص) فرامی‌گرفتند، به یکدیگر آموزش می‌دادند(ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۶). آموزش قرآن نه تنها در مسجد پیامبر، بلکه در فرصت‌های گوناگون از میدان جنگ گرفته تا درون خانه‌ها، مورد توجه قرار می‌گرفت.

مرحله‌ی سوم: آموزش قرآن توسط مسلمانان به یکدیگر

در این مرحله، عده‌ای از مسلمین آیات و سُورِ قرآن را به عده‌ی دیگر تعلیم می‌دادند و به اِقرَاءِ یکدیگر می‌پرداختند. در کتاب *مناهل العرفان* آمده است: پیامبر اکرم(ص) برای آموزش قرآن به کسانی که از جامعه‌ی مسلمین دور بوده‌اند، کسانی را می‌فرستاد تا قرآن را به ایشان آموزش دهند. چنانکه مُصعب بن عُمیر و ابن ام‌مکتوم را، قبل از هجرت به مدینه و معاذ بن جبل را نیز پس از هجرت برای آموزش قرآن به مکه فرستادند(مناهل العرفان، ۱۳۸۵). از عباد بن صامت نقل شده است، هنگامی که فردی به مدینه مهاجرت می‌نمود و به جمع مسلمانان وارد می‌شد، پیامبر اکرم(ص) او را به یکی از ما می‌سپرد تا به وی قرآن را آموزش دهیم(نباتی، ۱۳۸۸، به نقل از حجتی کرمانی، ص ۸۸). پیامبر اکرم(ص) پس از نزول آیه‌ی «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»(زمر ۱۷-۱۷) برای ترغیب به یادگیری خواندن و نوشتن فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»(حجت کرمانی، بی‌تا، ۲۵). بر اساس اهمیت و ارزش دانش بود که پیامبر بعد از پیروزی در جنگ دستور دادند اسیران باسواد، پس از آموزش خواندن و نوشتن به ده نفر از کودکان مسلمان، آزاد شوند(نباتی، ۱۳۸۸، به نقل از حجتی کرمانی، ص ۸۸).

مرحله‌ی چهارم: اشتغال گروهی به آموزش قرآن

این مرحله با پدید آمدن گروهی به ثمر رسید که تلاوت قرآن کریم و تدریس آیات و سُور آن به صورت اشتغالات عمده‌ی زندگی آنان درآمد. اینان به «قُرّاء» معروف بودند (همان). این مرحله را باید مرحله‌ی آغاز آموزش رسمی قرآن در جامعه‌ی اسلامی دانست؛ مرحله‌ای که دورنمایی از گستره‌ی انتشار آموزش تعلیم قرآنی و اسلامی را در اقصا نقاط عالم در پی داشت. در کتاب «المغازی واقدی» چنین آمده است: در میان انصار، ۷۰ مرد جوان دیده می‌شدند که موسوم به قُرّاء بودند و به هنگام درآمدن شب، به ناحیه مدینه می‌آمدند و به تعلیم قرائت قرآن می‌پرداختند و اقامه‌ی نماز می‌کردند (همان، ص ۲۸).

مرحله‌ی پنجم: آموزش حفظ قرآن

عده‌ای از صحابه که حافظ قرآن کریم بودند، آموزش حفظ قرآن را بر عهده گرفتند و به این کار قیام کردند. اینان عبارت بودند از: علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت، عویمر بن زید، ابو موسی اشعری و عثمان بن عفان.

مرحله‌ی ششم: اعزام قاریان و حافظان به سرزمین‌های دیگر

اعزام قاریان و حافظان قرآن کریم به بلاد اسلامی، دوره‌ی جدیدی از آموزش قرآن به مسلمانان تلقی می‌شود. از آن جمله می‌توان به رفتن عبدالله بن مسعود (صحابی پیامبر) به شهر کوفه یاد کرد. او باعث شد که مردم کوفه بعد از مدینه، در زمینه‌ی قرائت قرآن کریم شهره شوند (همان، ص ۳۱).
مرحله‌ی هفتم: تبدیل شدن آموزش قرآن به یک ماده‌ی درسی
از این زمان، یعنی نیمه‌ی دوم قرن اول هجری قمری، آموزش قرآن به عنوان یک ماده‌ی درسی، در مساجد شهرهای گوناگون کشورهای اسلامی استقرار یافت (همان، ص ۳۲).
سنت پیامبر اکرم (ص) نیز بیانگر اقرآء قرآن در راستای ترویج همگانی شدن آموزش قرآن (کودک و جوان و...) بوده است تا در نهایت این اقرآء به درک از مضامین و مفاهیم قرآن کریم منجر شود. شیخ طبرسی در کتاب مجمع البیان از معاذ نقل می‌کند که گفت: شنیدم از رسول خدا (ص) که می‌فرمود: هیچ مردی نیست که به فرزندش قرآن آموزش داده شود، مگر آنکه خداوند، روز قیامت پدر و مادر آن فرزند را به تاج فرشتگان مفتخر گرداند و دو زیور از زیورهای بهشتی که مردمان هرگز مثل آن را ندیده‌اند، بر اندام آن‌ها بیوشاند (نوری، ج ۵، ح ۳۲۳).

۴. آموزش عمومی قرآن در نظام آموزش و پرورش

قرآن به عنوان سنگ بنای آموزش و پرورش از اهمیت و حساسیت بیشتری در دوره ابتدایی برخوردار است (میرزا محمدی و همکاران، ۱۳۹۱). شاید علت این اهمیت و حساسیت این است که زبان آموزی از آغازین روزهای تولد کودک آغاز می‌شود و اگر کودکی در معرض چند زبان قرار گیرد، همه

آن زبان‌ها را به‌عنوان زبان اول فرا خواهد گرفت (ضرغامی، ۱۳۹۴). بر همین اساس، از همان دوران ابتدایی باید نسبت به آشنایی کودک با قرآن اقدام نمود و این کتاب آسمانی را وارد زندگی وی کرد (میرزا محمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

در راستای مباحث فوق و اهمیت آموزش قرآن در مقاطع تحصیلی ابتدایی، برای اولین بار اهداف آموزش قرآن در آموزش و پرورش در قالب راهنمای برنامه درسی آموزش قرآن در دوره ابتدایی تهیه شد (ارغوانی، ۱۳۹۱). برخی از این اهداف عبارت‌اند از: آشنایی با قرآن کریم به‌عنوان کلام و کتاب آسمانی، تقویت انس و علاقه به قرآن کریم و یادگیری آن، توانایی روخوانی قرآن کریم به‌صورت شمرده و آرام از روی مصحف با رسم‌الخط آموزشی، توانایی خواندن آیات کتاب درسی به‌صورت روان و آهنگین، آشنایی با قواعد ضروری روخوانی قرآن، حفظ برخی از سوره‌های کوتاه کتاب درسی، آشنایی با برخی از داستان‌های قرآن کریم، فراگیری معانی برخی از کلمات ساده و عبارات کوتاه قرآن، ایجاد و تقویت علاقه به شنیدن، خواندن و فهم معانی آیات قرآن کریم، آشنایی با مفهوم برخی از پیام‌های قرآن و شناخت و تقویت استعدادهای دانش‌آموزان در گرایش‌های مختلف آموزش قرآن (بهرامی‌نسب، ۱۳۹۱ به نقل از فتح‌اللهی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۸۹).

بر این اساس، توجه به جایگاه مهم آموزش قرآن در میان مسلمانان، شیوه‌های آموزش و روش‌های تدریس قرآن در نظام آموزشی در طول سال‌های متمادی دارای رشد و تعالی بوده است. آشنایی و تسلط بر برخی از این شیوه‌ها و روش‌های آموزش، از ضروریات امر آموزش در جریان یادگیری صحیح است (ارغوانی، ۱۳۹۱). در ذیل برخی از این روش‌های آموزشی قرآن در نظام حاضر ارائه شده‌اند:

روش هجی (سنتی یا مکتب‌خانه‌ای): در این روش با هجی کردن و تمرین و تکرار، قرآن آموخته می‌شود. تصور بر این بود که چون قرآن از حروف و حرکات تشکیل شده است، اگر دانش‌آموزی حروف و حرکات را بشناسد با مقداری تمرین می‌تواند قرآن را بخواند. در این روش به صدای حروف و حرکات توجهی نداشتند. لذا، ابتدا حروف و سپس حرکات را می‌آموختند و با هجی کردن کلمات پیش می‌رفتند و همیشه آموزش را از جزء سی‌ام قرآن شروع می‌کردند (محمدی، ۱۳۹۰). برای مثال، عبارت «قُلْ أَعُوذُ» به این صورت هجی می‌شود: قاف و لام پیش: قل، الف زیر: ا، عین و واو پیش: عُو، ذال پیش: ذ (ارغوانی، ۱۳۹۱).

روش صوت‌آموزی: «جبار باغچه‌بان» برای آموزش خط فارسی به‌جای حرف‌آموزی، روش صوت‌آموزی را پیشنهاد کرد. از سال ۱۳۳۰ تا پیش از روش جدید (بخوانیم و بنویسیم، ۱۳۸۱)، روش ترکیبی باغچه‌بان که مبتنی بر صوت‌آموزی بود، برای آموختن خط و زبان فارسی در ایران معمول شد (منصوری، ۱۳۹۳).

روش فرمان ۱ و ۲: «کوکب پور رنجبر» با استفاده از روش باغچه‌بان، روش فرمان دادن را طراحی کرد. فرمان دادن، عیناً روش بخش کردن است و تعداد فرمان‌ها در یک کلمه به‌اندازه تعداد بخش‌های آن کلمه است. در این روش، با فرمان یک، یک حرف با یک حرکت خوانده می‌شود. در واقع یک صامت با یک مصوت ترکیب می‌گردد و با فرمان دو، صامت با یک مصوت خوانده می‌شود.

فرمان دو هنگامی داده می‌شود که بعد از حرف حرکت‌دار، حرف ساکن و یا تشدید باشد و یا خود حرف تنوین داشته باشد. چهار حرف «و-ل-ی» هرگاه بی‌علامت باشند، خوانده نمی‌شوند. برای مثال: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» می‌شود: ۱۱۲ (ارغوانی، ۱۳۹۱).

روش تفکیک: این روش با روش قبل چندان تفاوتی ندارد و بر بخش کردن کلمه و نوشتن آیات قرآن به صورت تفکیک (بخش بخش) تأکید دارد (محمدی، ۱۳۹۰ به نقل از نوری موسوی، ۱۳۵۷). روش تقلیدی: یکی از متداول‌ترین روش‌ها در آموزش قرائت قرآن مخصوصاً در زمینه صوت و لحن، روش تقلیدی می‌باشد (منصوری، ۱۳۹۳). در این روش به کمک مشاهده، تمرین و تکرار، اعمال خاصی در انسان به تدریج به صورت ملکه درآمده و درونی می‌شود و در مباحث قرآنی و دینی در نهایت به اصلاح نگرش و رفتار انسان می‌انجامد (گیوکی و همکاران، ۱۳۹۴ به نقل از پایزاده و هاشمی، ۱۳۹۳). از این روش معمولاً در سنین پایین مخصوصاً برای بچه‌های قبل از دبستان که هنوز توان خواندن و نوشتن و فراگیری مطالب را ندارند، به صورت مستقل قابل استفاده است (ارغوانی، ۱۳۹۱).

به کارگیری این روش حداقل دو امتیاز مهم دارد: اول اینکه نمونه کاملی از رفتاری که قرار است آموخته شود در اختیار یادگیرنده قرار می‌گیرد و دوم اینکه فراگیرنده نیازی به آزمایش و خطا ندارد؛ چرا که سرمشق کاملی در اختیار دارد (فتوحی، ۱۳۹۱ به نقل از یغما، ۱۳۷۴).

معلمان همواره به عنوان یک الگوی قابل اعتماد و شاخص، مورد توجه شاگردان هستند. از این جهت، معلمان درس قرآن، خود باید با قواعد قرائتی به صورت نظری و عملی آشنایی داشته باشند. همچنین معلمان آگاه می‌توانند از دانش آموزان ممتاز کلاس که تلاوت قابل قبولی دارند، به عنوان الگو برای دانش آموزان کلاس استفاده کنند. استفاده از نوارهای صوتی و تصویری استادان قرآن در کلاس، به خصوص نوجوانان و جوانانی که در مسابقات کشوری و بین‌المللی مقام‌هایی را کسب کرده‌اند، نیز می‌تواند الگوی خوبی به قرآن‌آموزان معرفی کند (یزدانی، ۱۳۸۸).

روش شنیداری (آموزش قرآن به کمک نوار صوتی): در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، نهادهای خودجوش و خارج از آموزش و پرورش رسمی، مانند دارالقرآن‌ها، مهد قرآن‌ها، بنیاد شهید و ... با استفاده از نوارهای قاریان مشهور و تمرین و تکرار و استمرار، قرآن را با ترتیل یا قرائت تحقیق آموزش می‌دهند (محمدی، ۱۳۹۰).

روش قصه‌گویی: یکی از روش‌های یاددهی-یادگیری که به صورتی اعجاز‌انگیز در ذهن و روح انسان نفوذ می‌کند و او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، قصه‌گویی است که از دیرباز به عنوان ابزاری مؤثر برای آموزش غیرمستقیم مفاهیم گوناگون، مورد توجه و استفاده معلمان و مربیان بوده است (یزدانی، ۱۳۸۸). در این روش، نمادها و قواعد آموزش قرآن به صورت داستان طراحی می‌شود (ارغوانی، ۱۳۹۱). این روش می‌تواند به دلیل نوع گفتمان داستان، عمق و ژرفا، سادگی گفتار و مناسبت فرهنگی، متناسب با سن و سال افراد مورد استفاده قرار گیرد (گیوکی و همکاران، ۱۳۹۴ به نقل از اکبری و همکاران، ۱۳۹۳).

روش کنایه‌ای (سمبل‌سازی): این روش شباهت زیادی به روش داستان‌گویی دارد. در این روش،

احکام و قواعد را به‌عنوان سمبل‌هایی مثل دوستی، ایثار و ... معرفی می‌کنند تا در ذهن قرآن‌آموز بماند (یزدانی، ۱۳۸۸). معرفی بعضی از ارزش‌ها در ضمن معرفی سمبل‌ها، جلب توجه دانش‌آموزان به‌وسیله سمبل‌ها، ایجاد تنوع و جاذبه در کلاس درس، فعال کردن ذهن دانش‌آموز در تطبیق سمبل‌ها با کلمات و فعال کردن ذهن دانش‌آموزان در ساختن سمبل‌های جدید و بالطبع فراگیری بهتر قواعد از جمله ویژگی‌های روش کنایه‌ای است (محمدی، ۱۳۹۰).

روش قاعده‌گویی: سهل‌الوصول‌ترین روش برای آموزش مطالب، بیان تئوریک آن است. در این روش، مطالب و دروس در قالب فرمول‌ها بیان شده و اختصار این فرمول‌ها، سبب حفظ بهتر آن‌ها می‌شود و فراگیر در برخورد با موارد کاربردی فوراً قاعده را مورد تطبیق قرار داده و آن را اجرا می‌نماید (همان).

روش بخش‌خوانی: در روش بخش‌خوانی چنان‌که از اسمش برمی‌آید عبارت قرآنی ابتدا به‌صورت بخش‌بخش خوانده می‌شود تا با گذشت زمان و کسب توانایی‌های لازم بر سرعت بخش‌خوانی افزوده شود و عملاً به روان‌خوانی تبدیل گردد.

روش نمایشی: به‌نمایش در آوردن اشیا و پدیده‌های مرتبط با موضوع آموزش، یکی از روش‌های آموزشی است که همواره مورد توجه معلمان و مربیان بوده است. در این روش دانش‌آموزان مهارت‌ها، مفاهیم یا موضوعات خاصی را با روش نمایش یا رسانه‌های آموزشی دیداری و یا کاربردی فرامی‌گیرند و گاهی نیز ضمن مشاهده از طریق دست‌کاری رسانه‌های کاربردی، به تجربه و آزمایش می‌پردازند و از این راه مفاهیم و هدف‌های آموزشی را بهتر و دقیق‌تر می‌آموزند (یزدانی، ۱۳۸۸ به نقل از سرابی، ۱۵۷). در این روش باید از مهارت‌های توضیح و سخنرانی نیز استفاده کرد؛ چراکه معلم ابتدا باید هدف‌های آموزشی را به دانش‌آموزان عرضه کند و سپس با نشان دادن ابزارها و رسانه‌های دیداری مرتبط با آن هدف‌ها، درباره هر کدام و نوع ارتباط با موضوع درس، در حد لزوم برای دانش‌آموزان توضیح دهد. با استفاده از این روش هم می‌توان از طریق به‌کارگیری وسایل و پدیده‌های طبیعی و حقیقی، کسب تجربه‌های مستقیم را فراهم کرد و هم می‌شود موضوع‌ها و مفاهیمی را که به‌صورت مستقیم در دسترس و قابل مشاهده و درک حسی نیستند، از طریق واسطه‌ها - رسانه‌های آموزشی دیداری و کاربردی - و کسب تجربه‌های غیرمستقیم به فراگیران آموخت (یزدانی، ۱۳۸۸).

آموزش قرآن یکی از معدود دروسی است که آموزش آن به روش‌ها و طرق مختلف امکان‌پذیر است و در آموزش آن نمی‌توان تنها به استفاده از یک یا دو روش اکتفا کرد (شعبانی، ۱۳۸۲؛ بهرامی‌نسب، ۱۳۹۱ به نقل از زارع و سلیمان‌نژاد، ۱۳۸۹؛ پیرایش مقدم، ۱۳۹۱). با توجه به روش‌های فوق، روش قصه و قاعده‌گویی و استفاده از کنایه و سمبل نیز ناظر به استفاده از بخش محتوایی و مضمونی قرآن کریم است. با این وجود، بیشترین روش استفاده‌شده در مدارس برای القا و تفهیم آموزش قرآن، روش تقلیدی بوده و صوت‌آموزی بیشترین استفاده و کاربرد را در سیستم آموزشی داشته است. به این معنا که دانش‌آموزان با استماع آیات الهی، شروع به تقلید از صوت و چگونگی

صدا می‌نماید. در این مرحله باید توجه داشت که روش هجی و تبیین لفظی واژه پیش از تقلید جریان یافته، اما این در حالی است که قرآن‌آموزان بیش از روش‌های مذکور به استفاده از روش تقلیدی و شنیداری پرداخته‌اند؛ لذا با استناد به این اصل، شاید به تناسب اهداف گوناگون آموزش قرآن اعم از روخوانی و روان‌خوانی، درک معنا و سبک زندگی بتوان از ترکیبی از شیوه‌های فوق برای آموزش قرآن در مقطع تحصیلی ابتدایی استفاده کرد.

بر اساس تحلیل روش‌های فوق باید اذعان داشت در روند آموزشی نظام حاضر سه عنصر مهم چون معلم، دانش‌آموز و در نهایت محتوا و دروس آموزشی (درس قرآن) جریان داشته که هر یک از آن‌ها ناظر به شرایط و هنجارهایی چون تلفظ صحیح لغات، توجه و بااهمیت تلقی نمودن درس قرآن در حیطه خانواده و شرکت مستمر در کلاس‌های آموزشی توسط دانش‌آموزان و ... بوده است؛ لذا آسیب‌شناسی سه عنصر فوق موجب وصول به نتایج سودمندی در زمینه شناسایی عوامل داخل در روند آموزشی می‌شود.

متناسب نبودن اهداف آموزش قرآن با ویژگی‌ها، نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان، هماهنگی و همسو نبودن اهداف آموزش قرآن در مقطع تحصیلی ابتدایی، بی‌توجهی به اهداف کاربردی‌تر و عمیق‌تر مثل انس با قرآن و درک مضامین، مشخص نبودن رویکرد آموزش و پرورش برای تدوین اهداف آموزش قرآن، روشن و مشخص نبودن اهداف آموزش قرآن در مقطع تحصیلی ابتدایی، عدم تناسب اهداف آموزش قرآن در آموزش و پرورش با اهداف آموزش قرآن در دین اسلام و نادیده گرفتن حفظ قرآن و علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به آن به‌عنوان هدفی برای آموزش قرآن در مقطع تحصیلی ابتدایی از آسیب‌های وارده به نظام آموزشی حاضر است که در نظر نگرفتن هر یک از عوامل فوق تأثیرات قابل توجهی در ادامه روند آموزش قرآن در مقاطع بالاتر می‌گردد. اهمیت این مهم زمانی دوچندان می‌شود که کم‌رنگ شدن قرآن در مقاطع تحصیلی بالاتر چون دبیرستان و تحصیلات عالی مورد توجه قرار گیرد.

۵. نتیجه‌گیری

سازمان‌ها در داشتن اهداف، برنامه‌ها و منابعی که تحقق اهداف را میسر سازد و مدیران و رهبرانی که آن‌ها را هدایت نماید مشابه هستند. همه سازمان‌ها در ارتباط متقابل و تعاملی پویا و وظایف خود را در جامعه انجام می‌دهند تا جامعه روند تکامل و پیشرفت خود را ببیند. در عین حال سازمان‌ها دارای اهداف، ساختار و کارکردهای متفاوتی هستند که باعث تمایز آن‌ها می‌شود. یکی از سازمان‌های مهم و مؤثر در جهان امروز سازمان‌های آموزشی به‌ویژه نظام آموزش و پرورش است که تأثیر بس شگرفی در آینده اجتماع ایفا می‌نماید. موضوع اصلی و محور اساسی این نظام، دانش‌آموز و کیفیت آموزش قرآنی اوست. لذا مهم‌ترین و دشوارترین مسأله مرتبط با دانش‌آموز، تعلیم و تربیت قرآنی وی در دو شاخه لفظ و محتوا است. مقوله‌ی بسیار مهمی که سایر سازمان‌ها نسبت به آن چندان مسئولیتی را پذیرا نیستند و این مسئولیت خطیر را به سازمان آموزشی واگذار می‌نمایند (کریمی و سلیمی، ۱۳۹۴).

بر این اساس، این مهم نشان از اهمیت و جایگاه این نظام دارد به طوری که همگان معتقدند کشورهای پیشگام در توسعه اجتماعی و اقتصادی مسیری جز ارتقایی بهره‌وری در نظام آموزشی (آموزش و پرورش) را نپیموندند؛ بنابراین استفاده از فواید حاصل از ارتقای بهره‌وری در نظام آموزشی نقش بسیار مهمی در رشد هر کشوری دارد.

در این راستا افزایش بهره‌وری در نظام آموزش و پرورش همچون تمامی سازمان‌ها مستلزم شناخت کافی از عوامل مؤثری که در رسیدن سازمان به اهداف خود دخالت دارند، که این عوامل در آموزش و پرورش از منابع مختلفی ناشی می‌شود، گاه از بیرون سازمان چون خانواده و یا والدین، جامعه بوده و گاه در داخل سازمان. این در صورتی است که بیشترین تأثیر از درون خود سازمان و عوامل آن ناشی می‌شود، عواملی چون، سیاست‌گذاران و سیاست‌گذاری‌های آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، معلمان، دانش‌آموزان، مدیران و روش‌هایی که برای آموزش عمومی قرآن به دانش‌آموزان اتخاذ می‌شود را در برمی‌گیرد؛ لذا از میان روش‌های مورداستفاده در نظام آموزش عمومی قرآن در آموزش و پرورش روش تقلیدی و شنیداری بیشترین استفاده را داشته که این شیوه اغلب بدون در نظر گرفتن اصول اصلی که در روش قرآنی و سنتی پیامبر بوده اعمال شده است. از این رو قرآن‌آموزان در نظام آموزشی پس از اتمام تحصیل قابلیت ادای لفظی کلمات را خالی از قدرت تدبیر، درک از مفاهیم قرآن و... خواهند داشت. این در حالی است که در روش قرآنی مرحله تلاوت و قرائت قرآن مقدمه‌ای برای وصول به تدبیر قرآن و در نهایت کاربردی نمودن مضامین و فرمان‌ها الهی در زندگی افراد است.

منابع

قرآن کریم

ابن هشام، عبدالملک. (بی‌تا). السیرة النبویة، بیروت، دارالمعرفة، چاپ اول.
ارغوانی، غلامعلی. (۱۳۹۱). بررسی سیر آموزش قرآن در دوره ابتدایی طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۹ (تأسیس مدارس قرآنی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

باقری، افسانه (۱۳۸۵). مفاهیم مبهم بهره‌وری و عملکرد. مجله تدبیر، شماره ۱۷۳
بهرامی نسب، مژگان. (۱۳۹۱). ارزشیابی برنامه آموزش قرآن از دیدگاه ذینفعان آموزشی در مقطع ابتدایی در منطقه ۷ آموزش و پرورش شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی (۱۳۹۴). مصوبات شورای توسعه فرهنگ قرآنی به انضمام اهم مصوبات قرآنی مراجع قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری کشور. تهران. دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی
سعیدی رضوانی، محمود؛ پرتو، مسلم؛ سرشور خراسانی، غلام عباس. (۱۳۸۸). ارزشیابی برون داد برنامه آموزش قرآن پایه پنجم ابتدایی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۱، سال هشتم، ۳۶-۷.

شعبانی، حسن (۱۳۸۳). مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران: سمت، چاپ هجدهم.

صدیقی، عیسی (۱۳۴۳). حدود آموزش عمومی. ماهنامه وحید، خرداد، شماره ۶۶، صص ۲-۷.

عسکری، ابوهلال حسین بن عبدالله (۱۴۱۲). مجمع الفروق اللغویه، قم، جامعة المدرسین، فتوحی، بیتا. (۱۳۹۱). مطالعه میزان به کارگیری روش‌های آموزش قرآن در دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان شهر اسدآباد سال ۹۱-۱۳۹۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا، پژوهشکده ادبیات.

فریدونی، محمدحسین و فرجی، حسین (۱۳۹۳). آشنایی با برنامه‌های آموزش عمومی قرآن کریم. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران

کریمی، فریبا، سلیمی، محمدرضا (۱۳۹۴). تفاوت سیاست‌گذاری در سازمان‌های آموزشی و غیرآموزشی، دومین همایش بین‌المللی مدیریت و فرهنگ توسعه، تهران

گیوکی، سمیه. (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی تغییرات برنامه درسی قرآن مدارس ابتدایی شاهد و ایثارگر شهر بیرجند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

منصوری، پروانه. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر بهبود آموزش قرآن از منظر معلمان دوره ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۲-۹۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

موسوی‌بلده، سید محسن (۱۳۸۷). حلیه القرآن: آموزش تجوید قرآن به روایت حفص از عاصم، تهران: انتشارات احیاء کتاب

میرزاحمدی، محمدحسن؛ افشار، عبدالله؛ شاه‌رضائی، سید رسول؛ قبادی، محترم. (۱۳۹۱). ارزشیابی برون داد برنامه آموزش قرآن پایه پنجم ابتدایی در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴۵، سال دوازدهم، ۲۳-۴۴.

میرلوحی، سید حسن. (۱۳۷۱). در جستجوی معیارهایی برای انتخاب محتوا(زمینه‌ای برای بحث پیرامون مسئله محتوای آموزش). فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۰، صص ۶۸-۳۷.

نیاتی، رضا (۱۳۸۸). جایگاه آموزش قرآن کریم در قرآن و سنت. مجله رشد آموزش قرآن، پاییز، شماره ۲۶

نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷)، مستدرک الوسائل، جلد چهارم، قم: مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث

وکیل، مسعود. (۱۳۸۱). نگاهی به برنامه جدید آموزش قرآن کریم در آموزش و پرورش ایران. نشریه رشد آموزش قرآن، شماره ۱.